



Personality Vulnerabilities in Marital Emotional Disengagement and Marital Satisfaction: A Systematic Review of Dark Personality Traits and the Five-Factor Model

Javad Sadeghi Ahoei^{1*}

¹ Department of Psychology, BA.C., Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran

* **Corresponding Author:** j.sadeghiahoei@iau.ac.ir

Received: 2026-04-05

Accepted: 2026-04-20

Publication: 2026-05-18

Abstract

Background: Personality traits are among the most influential individual factors affecting marital relationships. Recent studies have highlighted the role of dark personality traits and the Five-Factor Model (FFM) in predicting marital satisfaction and emotional disengagement; however, findings remain fragmented and sometimes inconsistent. The present study aimed to systematically review empirical evidence regarding the associations between dark personality traits, FFM dimensions, marital satisfaction, and emotional disengagement.

Methods: This systematic review was conducted in accordance with the PRISMA 2020 guidelines. Relevant studies published between 2015 and 2025 were identified through searches in Scopus, Web of Science, Psyc INFO, Springer Link, Google Scholar, and Persian databases including SID and Magiran. Quantitative and mixed-method studies examining associations between dark personality traits or FFM dimensions and marital satisfaction or emotional disengagement were included. Due to methodological heterogeneity among studies, findings were synthesized narratively.

Results: The findings indicated that dark personality traits—particularly Machiavellianism, psychopathy, and maladaptive forms of narcissism—were associated with lower marital satisfaction, increased interpersonal conflict, and greater emotional disengagement. In contrast, agreeableness, conscientiousness, and extraversion were associated with higher marital quality and emotional connectedness. Neuroticism emerged as one of the strongest predictors of relational distress and emotional erosion.

Conclusion: Personality characteristics play a critical role in marital quality and emotional dynamics between partners. Integrating personality-focused approaches into assessment, premarital education, and couple therapy interventions may contribute to earlier identification of vulnerable relationships and more effective therapeutic planning.

Keywords: Dark personality traits, Five-Factor Model, Marital satisfaction, Emotional disengagement, Systematic review

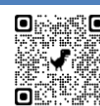
© 2026 A New Approach To School Education (NASE)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Sadeghi Ahoei J. (2026). Personality Vulnerabilities in Marital Emotional Disengagement and Marital Satisfaction: A Systematic Review of Dark Personality Traits and the Five-Factor Model. *NASE*, 1(1): 20-29





آسیب‌پذیری‌های شخصیتی در گسست هیجانی و رضایت زناشویی: مرور نظام‌مند صفات تاریک شخصیت و الگوی پنج‌عاملی شخصیت

جواد صادقی آهویی^{۱*}

^۱ گروه روانشناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران
* نویسنده مسئول: j.sadeghiahoei@iau.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۱/۳۱ تاریخ چاپ مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸

چکیده

زمینه و هدف: ویژگی‌های شخصیتی از مهم‌ترین عوامل فردی اثرگذار بر کیفیت روابط زناشویی محسوب می‌شوند. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که صفات تاریک شخصیت و ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت می‌توانند نقش مهمی در تبیین رضایت زناشویی و گسست هیجانی داشته باشند؛ با این حال، یافته‌های موجود در این حوزه پراکنده و گاه ناهمسو هستند. هدف پژوهش حاضر، مرور نظام‌مند مطالعات تجربی درباره ارتباط صفات تاریک شخصیت و ابعاد الگوی پنج‌عاملی با رضایت زناشویی و گسست هیجانی در روابط زناشویی بود.

روش: پژوهش حاضر از نوع مرور نظام‌مند بود که بر اساس دستورالعمل PRISMA 2020 انجام شد. جست‌وجوی نظام‌مند مقالات در پایگاه‌های Scopus، Science Web، PsycINFO، SpringerLink، Google Scholar و همچنین پایگاه‌های فارسی SID و Magiran در بازه زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ صورت گرفت. مطالعات تجربی کمی و ترکیبی که رابطه صفات تاریک شخصیت یا ابعاد الگوی پنج‌عاملی را با رضایت زناشویی یا گسست هیجانی بررسی کرده بودند، وارد مطالعه شدند. با توجه به ناهمگنی روش‌شناختی پژوهش‌ها، یافته‌ها از طریق سنتز روایتی تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان دادند که صفات تاریک شخصیت، به‌ویژه ماکیاولی‌گرایی، سایکوپاتی و ابعاد آسیب‌زای خودشیفتگی، با کاهش رضایت زناشویی، افزایش تعارضات بین‌فردی و گسست هیجانی رابطه همراه هستند. در مقابل، توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی با کیفیت بالاتر روابط زناشویی و انسجام هیجانی بیشتر ارتباط داشتند. همچنین روان‌رنجورخویی به‌عنوان یکی از پایدارترین عوامل خطر در کاهش کیفیت رابطه و فرسایش هیجانی شناخته شد.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت روابط زناشویی و پویایی هیجانی زوجین دارند. توجه به ابعاد شخصیت در فرایندهای ارزیابی، آموزش پیش از ازدواج و مداخلات زوج‌درمانی می‌تواند به شناسایی زود هنگام روابط آسیب‌پذیر و طراحی مداخلات مؤثرتر کمک کند.

واژگان کلیدی: صفات تاریک شخصیت، الگوی پنج‌عاملی شخصیت، رضایت زناشویی، گسست هیجانی، مرور نظام‌مند

تمامی حقوق نشر برای مجله رویکردی نو بر آموزش مدارس محفوظ است.

شیوه استناد به این مقاله: صادقی آهویی، جواد. (۱۴۰۵). آسیب‌پذیری‌های شخصیتی در گسست هیجانی و رضایت زناشویی: مرور نظام‌مند صفات تاریک شخصیت و الگوی پنج‌عاملی شخصیت. *مجله رویکردی نو بر آموزش مدارس*، ۱(۱): ۲۰-۲۹

مقدمه

خانوادگی و کیفیت زندگی افراد دارد. کیفیت رابطه زناشویی نه‌تنها بر رضایت فردی و بهزیستی روان‌شناختی زوجین اثر می‌گذارد، بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای فرزندان، کارکرد

ازدواج یکی از مهم‌ترین روابط انسانی و از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روان، ثبات

پیامدهای زناشویی کمتر روشن و گاه ناهمخوان گزارش شده و به نظر می‌رسد بسته به بافت فرهنگی، سبک ارتباطی زوجین و نوع متغیر پیامدی، اثرات متفاوتی داشته باشد.

در کنار ویژگی‌های بهنجار شخصیت، در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای به صفات تاریک شخصیت به‌عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های اجتماعی - هیجانی ناسازگارانه جلب شده است. این صفات عمدتاً شامل خودشیفتگی، ماکیاولی‌گرایی و سایکوپاتی هستند که در مجموع تحت عنوان «سه‌گانه تاریک شخصیت» شناخته می‌شوند (Paulhus & Williams, 2002). این ویژگی‌ها با الگوهای چون بهره‌کشی بین‌فردی، فقدان همدلی، دستکاری‌گری، خودمحوری، بی‌ثباتی اخلاقی، تکانشگری و کاهش تعهد عاطفی همراه‌اند؛ خصایصی که می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم کیفیت روابط صمیمانه را تهدید کنند (Furnham, Richards & Paulhus, 2013).

برای مثال، خودشیفتگی می‌تواند با نیاز افراطی به تحسین، حساسیت به انتقاد و تمرکز بر ارضای نیازهای شخصی همراه باشد (Campbell & Foster, 2002)؛ ماکیاولی‌گرایی ممکن است به شکل کنترل‌گری، محاسبه‌گری و استفاده ابزاری از رابطه بروز یابد؛ و سایکوپاتی با سردی عاطفی، تکانشگری و ضعف در همدلی پیوند دارد (Paulhus & Williams, 2002). دیه‌ی است که حضور چنین ویژگی‌هایی در یکی یا هر دو عضو رابطه می‌تواند فرایندهای اساسی ازدواج، از جمله اعتماد، صمیمیت، حمایت متقابل و تنظیم سازگارانه تعارض را مختل کند (Furnham et al., 2013).

با وجود اهمیت نظری و بالینی هر دو حوزه، یعنی صفات بهنجار شخصیت در قالب الگوی پنج‌عاملی و صفات ناسازگارانه در قالب صفات تاریک، شواهد موجود هنوز به‌صورت یکپارچه و منسجم تلفیق نشده‌اند. بخشی از پژوهش‌ها بر رابطه ویژگی‌های پنج‌عاملی با رضایت زناشویی تمرکز کرده‌اند (Malouff et al., 2000; Watson et al., 2010)، در حالی که گروهی دیگر به بررسی اثر صفات تاریک بر کیفیت رابطه، تعارض، خیانت، کنترل‌گری یا بی‌ثباتی عاطفی پرداخته‌اند (Apostolou, Christoforou & Shialos, 2019; Brewer & Abell, 2020; Zhao, Smillie & Li, 2017). این پراکندگی سبب شده است که تصویر روشنی از وزن نسبی هر یک از این آسیب‌پذیری‌های شخصیتی در تبیین گسست هیجانی و رضایت زناشویی در دست نباشد. افزون بر این، مطالعات موجود از نظر تعریف متغیرهای پیامدی، ابزارهای سنجش، بافت فرهنگی، ویژگی‌های نمونه و طرح پژوهش با یکدیگر تفاوت دارند و همین مسئله مقایسه مستقیم یافته‌ها را دشوار می‌سازد. در نتیجه، بدون یک مرور نظام‌مند، امکان جمع‌بندی دقیق،

خانواده و حتی سلامت اجتماعی جامعه به همراه دارد. در مقابل، تضعیف پیوند عاطفی میان همسران می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای از تعارض مزمن، کاهش صمیمیت، فاصله‌گیری هیجانی و فرسایش تدریجی رابطه منجر شود. در ادبیات خانواده، این وضعیت غالباً با مفاهیمی مانند کاهش رضایت زناشویی، فرسودگی رابطه، بیگانگی عاطفی و گسست هیجانی زناشویی توصیف می‌شود. گسست هیجانی، اگرچه لزوماً به معنای جدایی قانونی نیست، می‌تواند رابطه را از درون تهی کرده و زمینه‌ساز اختلال در کارکردهای ارتباطی، جنسی، حمایتی و تربیتی خانواده شود (Gottman & Levenson, 2000).

در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران از عوامل صرفاً موقعیتی و بین‌فردی به سمت بررسی پیشایندهای فردی و نسبتاً پایدار روابط زناشویی معطوف شده است. در این میان، ویژگی‌های شخصیتی از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که می‌توانند کیفیت تعاملات زوجین را شکل دهند. شخصیت مجموعه‌ای از الگوهای نسبتاً پایدار هیجانی، شناختی و رفتاری است که نحوه ادراک، تفسیر و پاسخ افراد به موقعیت‌های بین‌فردی را تعیین می‌کند. از آنجا که رابطه زناشویی بستری مستمر برای تعامل، تنظیم هیجان، حل تعارض، پاسخ‌دهی همدلانه و دریافت حمایت متقابل است، انتظار می‌رود ویژگی‌های شخصیتی زوجین نقشی محوری در تداوم یا تضعیف این رابطه داشته باشند (Karney & Bradbury, 1995). به بیان دیگر، برخی ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند رابطه را در برابر تنش‌ها مقاوم‌تر کنند، در حالی که برخی دیگر ممکن است افراد را در برابر تعارض، بی‌ثباتی هیجانی، کنترل‌گری، بی‌اعتمادی و فاصله عاطفی آسیب‌پذیرتر سازند.

یکی از پرکاربردترین چارچوب‌ها برای مطالعه شخصیت، الگوی پنج‌عاملی شخصیت است که شامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی می‌شود. این مدل در دهه‌های اخیر به‌طور گسترده در پژوهش‌های مرتبط با روابط نزدیک و ازدواج به کار رفته است. یافته‌ها عموماً نشان می‌دهند که روان‌رنجورخویی با سطوح بالاتر تعارض، حساسیت بین‌فردی، واکنش‌پذیری هیجانی و کاهش رضایت زناشویی همراه است، در حالی که توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی معمولاً با همدلی بیشتر، مسئولیت‌پذیری، مدیریت بهتر تعارض و کیفیت بالاتر رابطه پیوند دارند (Malouff, Thorsteinsson, Schutte, Bhullar, & Rooke, 2010; Watson, Hubbard, & Wiese, D. 2000). برون‌گرایی نیز در بسیاری از مطالعات با افزایش تعامل مثبت، ابراز هیجان و رضایت زناشویی بیشتر مرتبط گزارش شده است (Watson et al., 2000)، هرچند شدت و ثبات این رابطه در همه مطالعات یکسان نبوده است. در مقابل، نقش گشودگی به تجربه در

تشخیص الگوهای پایدار و شناسایی شکاف‌های پژوهشی محدود خواهد بود.

نکته مهم دیگر آن است که بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده، رضایت زناشویی را به‌عنوان شاخص اصلی عملکرد رابطه در نظر گرفته‌اند، در حالی که گسست هیجانی زناشویی مفهومی متمایز و در عین حال مرتبط است. ممکن است یک رابطه در ظاهر حفظ شده باشد، اما از نظر عاطفی تهی، سرد و فاقد احساس تعلق و صمیمیت باشد. بنابراین، تمرکز هم‌زمان بر رضایت زناشویی و گسست هیجانی امکان فهم دقیق‌تری از کیفیت واقعی رابطه فراهم می‌کند. رضایت زناشویی بیشتر به ارزیابی کلی فرد از مطلوبیت رابطه اشاره دارد، در حالی که گسست هیجانی بر کاهش پیوند عاطفی، فاصله هیجانی، افت صمیمیت و کاهش درگیری هیجانی زوجین دلالت دارد. بررسی هم‌زمان این دو پیامد می‌تواند روشن سازد که آیا ویژگی‌های شخصیتی تنها بر ارزیابی شناختی از رابطه اثر می‌گذارند یا در فرسایش لایه هیجانی و عاطفی رابطه نیز نقش دارند.

از منظر کاربردی نیز این موضوع اهمیت فراوانی دارد. شناسایی آسیب‌پذیری‌های شخصیتی مرتبط با افت کیفیت زناشویی می‌تواند به غنی‌سازی مداخلات پیشگیرانه، مشاوره پیش از ازدواج، ارزیابی خطر در روابط و طراحی درمان‌های زوجی کمک کند. اگر مشخص شود برخی صفات شخصیتی به‌طور مداوم با گسست هیجانی یا کاهش رضایت زناشویی همراه‌اند، درمانگران می‌توانند در فرایند ارزیابی و مداخله، توجه بیشتری به تنظیم هیجان، اصلاح الگوهای ارتباطی، افزایش همدلی و مدیریت رفتارهای دستکاری‌گرانه یا خودمحورانه داشته باشند.

با توجه به گسترش پژوهش‌ها در دهه‌های اخیر، انجام یک مرور نظام‌مند متمرکز بر بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ از چند جهت توجیه‌پذیر است. نخست آن‌که بخش عمده مطالعات تجربی درباره صفات تاریک شخصیت در بستر روابط صمیمانه در این دوره منتشر شده‌اند. دوم آن‌که در این بازه، مطالعات مرتبط با الگوی پنج‌عاملی نیز از نظر ابزارهای سنجش، مدل‌های تحلیلی و دقت روش‌شناختی به‌روزتر شده‌اند (Malouff et al., 2010) سوم آن‌که محدود کردن مرور به مطالعات جدیدتر، از ورود یافته‌های قدیمی‌تر با تعاریف مفهومی ناهمسان جلوگیری کرده و امکان ارائه جمع‌بندی به‌روزتر و همگن‌تر را فراهم می‌سازد. از این‌رو، مرور حاضر می‌کوشد با تمرکز بر شواهد تجربی جدید، تصویری روشن‌تر از نحوه ارتباط صفات تاریک شخصیت و ابعاد الگوی پنج‌عاملی با رضایت زناشویی و گسست هیجانی ارائه دهد.

بر این اساس، هدف مطالعه حاضر مرور نظام‌مند پژوهش‌های تجربی منتشرشده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ درباره نقش صفات تاریک شخصیت و الگوی پنج‌عاملی شخصیت در رضایت

زناشویی و گسست هیجانی زناشویی است. این مطالعه در پی آن است که الگوهای اصلی یافته‌ها را شناسایی کند، شباهت‌ها و تفاوت‌های نتایج را نشان دهد و مبنایی منسجم برای تبیین نظری و کاربرد بالینی این متغیرها در حوزه روابط زناشویی فراهم آورد.

روش شناسی

طرح پژوهش

پژوهش حاضر یک مرور نظام‌مند^۱ است که با هدف شناسایی، ارزیابی و تلفیق نظام‌مند شواهد تجربی درباره ارتباط صفات تاریک شخصیت و ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت با رضایت زناشویی و گسست هیجانی در روابط زناشویی انجام شد. طراحی و گزارش این مطالعه بر اساس دستورالعمل‌های PRISMA صورت گرفت تا شفافیت، انسجام روش‌شناختی و قابلیت بازتولید پژوهش تضمین شود (Page, McKenzie, Bossuyt, et al., 2021). در این مطالعه، به دلیل ناهمگنی ابزارها، طرح‌های پژوهشی و شاخص‌های اندازه‌گیری، یافته‌ها با استفاده از روش سنتز روایتی^۲ تحلیل و یکپارچه شدند.

چارچوب مفهومی و سؤال پژوهش

برای صورت‌بندی سؤال پژوهش از چارچوب PEO استفاده شد. در این چارچوب، جمعیت مورد مطالعه شامل افراد متأهل یا زوجین در روابط زناشویی (P) بود. متغیرهای مورد بررسی شامل صفات تاریک شخصیت (مانند خودشیفتگی، ماکیاولی‌گرایی و سایکوپاتی) و ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت شامل روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی (E) در نظر گرفته شدند. پیامدهای مورد بررسی نیز شامل رضایت زناشویی و گسست هیجانی در روابط زناشویی (O) بودند. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش چنین تدوین شد: شواهد تجربی موجود چه ارتباطی میان صفات تاریک شخصیت و ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت با رضایت زناشویی و گسست هیجانی در روابط زناشویی گزارش کرده‌اند؟

منابع اطلاعاتی

برای شناسایی مطالعات مرتبط، جست‌وجوی نظام‌مند در چندین پایگاه اطلاعاتی معتبر انجام شد. پایگاه‌های بین‌المللی مورد استفاده شامل Scopus، Web of Science، PsycINFO، Google Scholar و SpringerLink بودند. همچنین به‌منظور پوشش مطالعات داخلی، پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی شامل SID و Magiran نیز مورد جست‌وجو قرار گرفتند. جست‌وجو در

معیارهای خروج مطالعات

- مطالعاتی که دارای شرایط زیر بودند از مرور کنار گذاشته شدند:
- مقالات نظری، مقالات مروری و متاآنالیزها.
- پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های کنفرانسی و سایر منابع فاقد داوری علمی.
- مطالعاتی که متغیرهای مورد نظر پژوهش را بررسی نکرده بودند.
- مطالعاتی که نمونه آن‌ها شامل افراد غیرمتأهل یا روابط غیرزناشویی بود.
- مقالاتی که متن کامل آن‌ها در دسترس نبود.

فرایند غربالگری مطالعات

فرایند انتخاب مطالعات در چند مرحله انجام شد. در مرحله نخست، تمامی مقالات حاصل از جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی گردآوری شدند و موارد تکراری حذف گردیدند. در مرحله دوم، عنوان و چکیده مقالات از نظر ارتباط با موضوع پژوهش بررسی شد و مطالعات نامرتبب کنار گذاشته شدند. در مرحله سوم، متن کامل مقالات باقی‌مانده به‌طور دقیق بررسی شد تا انطباق آن‌ها با معیارهای ورود و خروج تعیین شود. در نهایت، مطالعاتی که تمامی معیارهای تعیین‌شده را دارا بودند برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. این فرایند انتخاب مطالعات مطابق با الگوی نمودار جریان PRISMA گزارش می‌شود (Page et al., 2021).

استخراج داده‌ها

به‌منظور سازمان‌دهی و مقایسه نظام‌مند اطلاعات مطالعات منتخب، یک فرم استخراج داده طراحی شد. از هر مطالعه اطلاعاتی شامل نام نویسنده و سال انتشار، کشور محل انجام پژوهش، حجم نمونه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه، ابزارهای اندازه‌گیری صفات شخصیتی، ابزارهای سنجش رضایت زناشویی یا گسست هیجانی، نوع طرح پژوهش و یافته‌های اصلی استخراج و ثبت شد. این اطلاعات امکان مقایسه مطالعات و شناسایی الگوهای مشترک در یافته‌ها را فراهم ساخت.

ارزیابی کیفیت مطالعات

برای ارزیابی کیفیت روش‌شناختی مطالعات منتخب از چک‌لیست‌های استاندارد ارزیابی کیفیت پژوهش استفاده شد. مطالعات مشاهده‌ای با استفاده از مقیاس Newcastle-Ottawa (NOS) و در صورت وجود طرح‌های مقطعی یا تحلیلی از ابزارهای ارزیابی کیفیت مناسب برای مطالعات غیرآزمایشی مورد بررسی قرار گرفتند. این مرحله به‌منظور شناسایی سوگیری‌های

این پایگاه‌ها برای مقالات منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵ انجام شد.

انتخاب این بازه زمانی به این دلیل بود که بخش عمده پژوهش‌های تجربی درباره صفات تاریک شخصیت در زمینه روابط بین‌فردی و زناشویی در این دوره منتشر شده‌اند و ابزارهای سنجش شخصیت و شاخص‌های ارزیابی کیفیت رابطه نیز در این دوره به‌روزتر و دقیق‌تر شده‌اند.

راهبرد جست‌وجو

راهبرد جست‌وجو با استفاده از ترکیبی از کلیدواژه‌های مرتبط با متغیرهای شخصیت و پیامدهای زناشویی طراحی شد. این کلیدواژه‌ها با استفاده از عملگرهای بولی AND و OR ترکیب شدند تا دامنه جست‌وجو به‌صورت نظام‌مند و جامع پوشش داده شود. نمونه‌ای از راهبرد جست‌وجوی مورد استفاده در پایگاه‌های

بین‌المللی به شرح زیر است:

"(Dark personality traits" OR "Dark triad" OR narcissism OR Machiavellianism OR psychopathy OR "Five-Factor Model" OR "Big Five personality" OR personality traits OR neuroticism OR agreeableness OR conscientiousness OR extraversion OR openness)

AND

"(marital satisfaction" OR "marital quality" OR "marital relationship" OR "emotional disengagement" OR "emotional distance" OR "marital distress")"

برای جست‌وجوی منابع فارسی نیز از معادل‌های فارسی کلیدواژه‌ها استفاده شد؛ از جمله: «صفات تاریک شخصیت»، «سه‌گانه تاریک شخصیت»، «الگوی پنج‌عاملی شخصیت»، «ویژگی‌های شخصیت»، «رضایت زناشویی»، «کیفیت رابطه زناشویی» و «گسست هیجانی».

معیارهای ورود مطالعات

برای انتخاب مطالعات مرتبط، معیارهای ورود مشخصی در نظر گرفته شد:

- مطالعات تجربی (کمی یا ترکیبی) که به بررسی ارتباط صفات تاریک شخصیت یا ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت با رضایت زناشویی یا گسست هیجانی پرداخته باشند.
- مطالعاتی که نمونه آن‌ها شامل افراد متأهل یا زوجین در روابط زناشویی باشد.
- مقالات منتشرشده در مجلات علمی دارای داوری همتا.
- مقالاتی که متن کامل آن‌ها در دسترس باشد.
- مطالعات منتشرشده به زبان فارسی یا انگلیسی.
- مقالات منتشرشده در بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۵.

احتمالی، ارزیابی اعتبار نتایج و افزایش دقت در تفسیر یافته‌ها انجام شد.

روش تحلیل داده‌ها

با توجه به ناهمگنی مطالعات از نظر طرح پژوهش، ابزارهای سنجش و شاخص‌های اندازه‌گیری، امکان انجام متاآنالیز فراهم نبود. بنابراین، یافته‌های مطالعات منتخب با استفاده از روش سنتز روایتی تحلیل شدند. در این روش، نتایج مطالعات بر اساس نوع متغیر شخصیتی و پیامدهای زناشویی دسته‌بندی شده و الگوهای مشترک، شباهت‌ها و تفاوت‌های یافته‌ها مورد بررسی و تفسیر قرار گرفتند. این رویکرد امکان ارائه تصویری جامع از نقش ویژگی‌های شخصیتی در رضایت زناشویی و گسست هیجانی را فراهم ساخت.

نتایج

بررسی نظام‌مند مطالعات واجد شرایط نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی، به‌ویژه صفات تاریک شخصیت و ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت، با شاخص‌های کیفیت رابطه زناشویی شامل رضایت زناشویی و گسست هیجانی رابطه معناداری دارند. در مجموع، الگوی یافته‌ها حاکی از آن بود که صفات تاریک شخصیت عمدتاً با پیامدهای منفی در رابطه زناشویی همراه بوده‌اند، در حالی که برخی از ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت، به‌ویژه توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی، بیشتر با پیامدهای مثبت رابطه و سطوح بالاتر رضایت زناشویی همراه بودند. در مقابل، روان‌رنجورخویی به‌عنوان یکی از پایدارترین پیش‌بین‌های منفی کیفیت زناشویی در مطالعات مختلف ظاهر شد (Watson et al., 2000).

۱. یافته‌های مربوط به صفات تاریک شخصیت و رضایت زناشویی

نتایج مطالعات مرور شده نشان دادند که صفات تاریک شخصیت، به‌ویژه ماکیاولی‌گرایی و سایکوپاتی، معمولاً با کاهش رضایت زناشویی و افت کیفیت تعاملات زوجی همراه هستند (Brewer & Abell, 2017; Zhao et al., 2020). این صفات غالباً با الگوهایی مانند فقدان همدلی، دستکاری‌گری، بهره‌کشی عاطفی، بی‌ثباتی در تعهد، تکانشگری و تعارض بین‌فردی بیشتر همراه گزارش شده‌اند (Furnham et al., 2013). ویژگی‌هایی که می‌توانند انسجام عاطفی و اعتماد متقابل را در رابطه زناشویی تضعیف کنند.

در مورد خودشیفتگی، یافته‌ها تا حدی پیچیده‌تر و ناهمگون‌تر بودند. برخی مطالعات نشان داده‌اند که خودشیفتگی، به‌ویژه در سطوح بالاتر، با حساسیت به انتقاد، نیاز افراطی به تأیید،

برتری‌طلبی و کاهش پاسخ‌دهی هیجانی به نیازهای همسر همراه است و در نتیجه رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد (Campbell & Foster, 2002). با این حال، در برخی پژوهش‌ها مشاهده شده است که برخی جلوه‌های خودشیفتگی، به‌ویژه در اشکال اجتماعی‌تر یا کمتر مرضی، ممکن است در کوتاه‌مدت با جذابیت بین‌فردی یا ادراک مثبت اولیه در رابطه همراه باشند؛ هرچند این اثر معمولاً پایدار نبوده و در تداوم رابطه کمتر به رضایت عمیق منجر می‌شود.

۲. یافته‌های مربوط به صفات تاریک شخصیت و گسست هیجانی

در حوزه گسست هیجانی، مطالعات به‌طور نسبتاً همسو نشان دادند که سطوح بالاتر صفات تاریک شخصیت با فاصله‌گیری عاطفی، کاهش صمیمیت، افت حمایت هیجانی و افزایش سردی رابطه مرتبط هستند (Apostolou et al., 2019). در این میان، سایکوپاتی و ماکیاولی‌گرایی بیش از سایر صفات با گسست هیجانی ارتباط نشان داده‌اند. این دو صفت به دلیل ماهیت بین‌فردی خاص خود، نظیر بی‌اعتنایی به نیازهای هیجانی دیگری، منفعت‌محوری، کنترل‌گری و کاهش حساسیت اخلاقی، می‌توانند پیوند هیجانی زوجین را مستعد فرسایش کنند (Paulhus & Williams, 2002).

همچنین برخی مطالعات نشان داده‌اند که وجود صفات تاریک در یکی از زوجین نه تنها بر تجربه فردی رضایت زناشویی اثر می‌گذارد، بلکه از طریق الگوهای تعاملی منفی، بر کیفیت ادراک شده رابطه توسط همسر نیز تأثیرگذار است (Zhao et al., 2020). این یافته‌ها اهمیت نگاه دوسویه و بین‌فردی به ویژگی‌های شخصیتی در روابط زناشویی را برجسته می‌کند.

۳. یافته‌های مربوط به الگوی پنج‌عاملی شخصیت و رضایت زناشویی

مرور مطالعات نشان داد که ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت با کیفیت رابطه زناشویی ارتباط قابل‌توجهی دارند. در میان این ابعاد، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به‌طور مکرر با رضایت زناشویی بالاتر همراه بودند (Malouff et al., 2010). افرادی که در توافق‌پذیری نمره بالاتری کسب می‌کنند، معمولاً رفتارهایی چون همدلی، انعطاف‌پذیری، همکاری و توجه به نیازهای همسر را بیشتر نشان می‌دهند؛ رفتارهایی که زمینه‌ساز تعارض کمتر و صمیمیت بیشتر در زندگی مشترک هستند. همچنین وظیفه‌شناسی، از طریق ثبات رفتاری، مسئولیت‌پذیری، پیش‌بینی‌پذیری و پایداری بیشتر به نقش‌های رابطه‌ای، با کیفیت بالاتر رابطه زناشویی همراه گزارش شده است (Malouff et al., 2010).

برون‌گرایی نیز در بسیاری از مطالعات با کیفیت بهتر تعاملات زوجی و رضایت زناشویی بیشتر مرتبط بود (Watson et al., 2000; Zhao et al., 2020; Abell, 2017). در حالی که توافق‌پذیری، وظیفه‌شناسی و تا حدی برون‌گرایی با سطوح بالاتر رضایت زناشویی و انسجام هیجانی بیشتر مرتبطاند (Watson et al., 2000; Malouff et al., 2010).

با وجود این، در برخی حوزه‌ها ناهمگنی در یافته‌ها مشاهده شد که احتمالاً ناشی از تفاوت در نوع نمونه‌ها، بافت فرهنگی، ابزارهای سنجش، طراحی پژوهش‌ها، و تفاوت میان اثرات فردی و دوسویه در روابط زناشویی است. این موضوع نشان می‌دهد که تفسیر نقش شخصیت در زندگی زناشویی باید در چارچوبی چندبعدی، تعاملی و با در نظر گرفتن زمینه‌های فرهنگی و بین‌فردی انجام شود.

بحث

هدف این مرور نظام‌مند، بررسی نقش صفات تاریک شخصیت و ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت در رضایت زناشویی و گسست هیجانی در روابط زناشویی بود. الگوی کلی یافته‌ها نشان داد که شخصیت یکی از متغیرهای بنیادین در کیفیت روابط زناشویی است و می‌تواند هم در قالب عامل خطر و هم در قالب عامل محافظتی عمل کند. به‌طور کلی، نتایج حاکی از آن بود که صفات تاریک شخصیت با افت کیفیت رابطه، کاهش رضایت زناشویی و افزایش فاصله‌گیری هیجانی همراهاند (Brewer & Zhao et al., 2020; Abell, 2017). در حالی که برخی از ابعاد الگوی پنج‌عاملی، به‌ویژه توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی، با الگوهای سالم‌تر رابطه‌ای مرتبط هستند (Malouff et al., 2010).

تبیین یافته‌های مربوط به صفات تاریک شخصیت

یکی از مهم‌ترین الگوهای مشاهده‌شده در این مرور، ارتباط نسبتاً پایدار صفات تاریک شخصیت با پیامدهای منفی زناشویی بود. این یافته از منظر نظری قابل انتظار است، زیرا صفات تاریک شخصیت ماهیتی آشکارا بین‌فردی دارند و مستقیماً بر کیفیت تعاملات عاطفی، میزان همدلی، اعتماد و تعهد اثر می‌گذارند (Paulhus & Williams, 2002). ماکیاولی‌گرایی با گرایش به دستکاری، کنترل‌گری و نگاه ابزاری به رابطه، ظرفیت رابطه زناشویی برای شکل‌گیری اعتماد و تبادل هیجانی اصیل را کاهش می‌دهد. سایکوپاتی نیز به دلیل تکانشگری، سردی عاطفی و ضعف در همدلی، می‌تواند فضای رابطه را به سوی بی‌ثباتی هیجانی و فرسایش پیوند عاطفی سوق دهد (Furnham et al., 2013).

در خصوص خودشیفتگی، ناهمگنی مشاهده‌شده در یافته‌ها قابل توجه است. این ناهمگنی احتمالاً از آنجا ناشی می‌شود که

برون‌گرایی نیز در بسیاری از مطالعات با کیفیت بهتر تعاملات زوجی و رضایت زناشویی بیشتر مرتبط بود (Watson et al., 2000). اگرچه شدت این رابطه در مطالعات مختلف یکسان نبود. این ارتباط احتمالاً از طریق افزایش تعامل مثبت، ابراز هیجان، مشارکت اجتماعی و انرژی هیجانی در رابطه قابل تبیین است. در مقابل، یافته‌های مربوط به گشودگی به تجربه کمتر همسو بودند و به نظر می‌رسد نقش آن در رضایت زناشویی بیشتر وابسته به بافت فرهنگی، سبک ارتباطی زوجین و سایر ویژگی‌های شخصیتی همراه باشد.

از سوی دیگر، روان‌رنجورخویی تقریباً در همه مطالعات به‌عنوان یک عامل خطر برای کاهش رضایت زناشویی شناخته شد (Watson et al., 2000). این بعد شخصیتی با تجربه بیشتر هیجان‌های منفی، حساسیت بالا به فشارهای رابطه‌ای، واکنش‌پذیری هیجانی، نگرانی، بدبینی و دشواری در تنظیم هیجان همراه است و در نتیجه می‌تواند تعارضات زناشویی را تشدید و احساس رضایت را تضعیف کند.

۴. یافته‌های مربوط به الگوی پنج‌عاملی شخصیت و گسست هیجانی

مطالعات نشان دادند که برخی ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت می‌توانند در شکل‌گیری یا پیشگیری از گسست هیجانی نقش داشته باشند. روان‌رنجورخویی بالا معمولاً با فاصله‌گیری هیجانی، احساس ناایمنی، سوءبرداشت بین‌فردی و فرسودگی عاطفی در رابطه همراه بود. در مقابل، توافق‌پذیری و برون‌گرایی اغلب نقش محافظتی داشتند و با افزایش صمیمیت، ارتباط مؤثر و پیوند هیجانی بیشتر همراه بودند (Watson et al., 2000). وظیفه‌شناسی نیز در برخی مطالعات به‌عنوان عامل کمک‌کننده به ثبات ارتباطی و حفظ انسجام رابطه مطرح شد (Malouff et al., 2010).

در مجموع، یافته‌ها نشان دادند که ابعاد شخصیت نه تنها بر ارزیابی شناختی افراد از رضایت زناشویی اثر می‌گذارند، بلکه بر کیفیت تجربه عاطفی آن‌ها از رابطه و میزان درگیری یا فاصله‌گیری هیجانی نیز تأثیرگذارند.

۵. جمع‌بندی الگوی کلی نتایج

به‌طور کلی، الگوی مشترک مطالعات مرور شده نشان می‌دهد که صفات تاریک شخصیت بیشتر به‌عنوان عوامل آسیب‌پذیری رابطه‌ای و برخی از ابعاد الگوی پنج‌عاملی بیشتر به‌عنوان عوامل محافظتی یا خطر در کیفیت زناشویی عمل می‌کنند. به بیان دیگر، ویژگی‌هایی مانند ماکیاولی‌گرایی، سایکوپاتی و روان‌رنجورخویی بیشتر با کاهش کیفیت رابطه، کاهش رضایت زناشویی و افزایش گسست هیجانی همراه هستند (Brewer & Zhao et al., 2020; Abell, 2017).

پیوند شخصیت با گسست هیجانی

یکی از نکات مهم این مرور آن است که شخصیت صرفاً با «رضایت زناشویی» به معنای ارزیابی شناختی از رابطه مرتبط نیست، بلکه با کیفیت پیوند هیجانی و خطر گسست عاطفی نیز رابطه دارد. این نکته از نظر بالینی بسیار اهمیت دارد، زیرا در بسیاری از زوجها ممکن است پیش از بروز تعارض‌های آشکار یا تصمیم به جدایی، نوعی فاصله‌گیری هیجانی تدریجی شکل بگیرد (Gottman & Levenson, 2000). یافته‌های این مرور نشان دادند که ویژگی‌هایی نظیر روان‌رنجورخویی بالا، ماکیاولی‌گرایی و سایکوپاتی می‌توانند زمینه‌ساز چنین فاصله‌گیری‌ای باشند (Brewer & Abell, 2017; Zhao et al., 2020)؛ زیرا هر یک به شیوه‌ای متفاوت، پاسخ‌دهی هیجانی، اعتماد متقابل و احساس امنیت دلبستگی را مختل می‌کنند.

در مقابل، صفاتی مانند توافق‌پذیری، برون‌گرایی و تا حدی وظیفه‌شناسی، با ایجاد فضای ارتباطی گرم‌تر، پیش‌بینی‌پذیرتر و حمایت‌کننده‌تر، می‌توانند نقش حفاظتی در برابر گسست هیجانی داشته باشند (Malouff et al., 2010; Watson et al., 2000). این یافته بر ضرورت توجه به ابعاد شخصیتی در مداخلات زوج‌درمانی تأکید می‌کند.

دلالت‌های بالینی و کاربردی

یافته‌های این مرور چند دلالت کاربردی مهم دارند. نخست آنکه در ارزیابی زوجین، توجه به ویژگی‌های شخصیتی، به‌ویژه صفات تاریک و ابعاد پرخطر شخصیت، می‌تواند به شناسایی زودهنگام روابط آسیب‌پذیر کمک کند. دوم، در مداخلات زوج‌درمانی، شناخت ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌تواند به فرمول‌بندی بالینی دقیق‌تر، انتخاب اهداف درمانی واقع‌بینانه‌تر و تنظیم انتظارات درمانگر و مراجعان کمک کند. برای مثال، در زوج‌هایی که سطوح بالای روان‌رنجورخویی یا صفات دستکاری‌گرانه دارند، تمرکز بیشتر بر تنظیم هیجان، بازشناسی الگوهای تعاملی مخرب، افزایش همدلی و مرزبندی سالم می‌تواند اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. سوم، در حوزه پیشگیری، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که آموزش پیش از ازدواج و برنامه‌های ارتقای کیفیت زندگی زناشویی می‌تواند با گنجاندن مؤلفه‌های مرتبط با خودآگاهی شخصیتی، شناخت الگوهای آسیب‌پذیر رابطه‌ای و تقویت ویژگی‌های محافظتی، اثربخشی بیشتری داشته باشند.

خودشیفتگی یک سازه یگانه و ساده نیست و می‌تواند جلوه‌های متفاوتی داشته باشد (Miller, Lynam, Hyatt & Campbell, 2017). برخی مؤلفه‌های خودشیفتگی ممکن است در مراحل اولیه رابطه با جذابیت اجتماعی، اعتمادبه‌نفس و حضور بین‌فردی قوی همراه باشند، اما در بلندمدت، هنگامی که رابطه نیازمند همدلی، پذیرش متقابل، تحمل ناکامی و تنظیم دوسویه نیازهاست، همین ویژگی‌ها می‌توانند به تعارض، احساس نادیده‌گرفته‌شدن و فاصله هیجانی منجر شوند (Campbell & Foster, 2002). بنابراین، نقش خودشیفتگی در رضایت زناشویی احتمالاً خطی و ساده نیست و باید در مطالعات آینده با تفکیک ابعاد آشکار و پنهان بررسی شود (Miller et al., 2017).

تبیین یافته‌های مربوط به الگوی پنج‌عاملی شخصیت

یافته‌های مربوط به الگوی پنج‌عاملی شخصیت نشان داد که این مدل همچنان یکی از چارچوب‌های قدرتمند برای فهم تفاوت‌های فردی در زندگی زناشویی است. در این میان، روان‌رنجورخویی به‌عنوان پایدارترین پیش‌بین منفی کیفیت زناشویی ظاهر شد (Watson et al., 2000). این یافته با ادبیات گسترده روان‌شناسی شخصیت و خانواده همسو است، زیرا روان‌رنجورخویی بالا معمولاً با واکنش‌پذیری هیجانی زیاد، تجربه مکرر هیجان‌های منفی، تفسیر تهدیدآمیز از موقعیت‌های بین‌فردی و دشواری در تنظیم هیجان همراه است. چنین ویژگی‌هایی می‌توانند الگوهای تعارض را تشدید کرده و صمیمیت هیجانی را تضعیف کنند.

در مقابل، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی به‌عنوان دو بعد محافظتی برجسته شدند (Malouff et al., 2010). توافق‌پذیری از طریق تقویت همدلی، مدارا، همکاری و کاهش خصومت، به حفظ پیوند عاطفی زوجین کمک می‌کند. وظیفه‌شناسی نیز به‌واسطه مسئولیت‌پذیری، ثبات رفتاری، قابلیت اتکا و پایبندی به تعهدات رابطه‌ای، بستر مناسبی برای احساس امنیت و پیش‌بینی‌پذیری در رابطه فراهم می‌سازد. نقش برون‌گرایی در مطالعات مرور شده عمدتاً مثبت بود، هرچند شدت این ارتباط در همه پژوهش‌ها یکسان نبود (Watson et al., 2000). به نظر می‌رسد برون‌گرایی از طریق افزایش هیجان مثبت، ابرازگری عاطفی و مشارکت فعال در تعاملات زوجی بتواند رضایت رابطه را ارتقا دهد. در مقابل، یافته‌های مربوط به گشودگی به تجربه کمتر قاطع بودند. احتمالاً این بعد شخصیتی در رابطه با کیفیت زناشویی بیش از آنکه اثر مستقیم داشته باشد، از طریق تعامل با متغیرهایی مانند سبک زندگی، ارزش‌های فرهنگی، نگرش به نقش‌های زناشویی و انعطاف‌پذیری شناختی عمل می‌کند.

محدودیت‌های مطالعات مرور شده

با وجود ارزش یافته‌ها، تفسیر نتایج باید با در نظر گرفتن چند محدودیت انجام شود. نخست، بخش عمده مطالعات این حوزه از طرح‌های مقطعی استفاده کرده‌اند؛ بنابراین استنباط علی درباره رابطه شخصیت و پیامدهای زناشویی باید با احتیاط انجام شود. دوم، در بسیاری از پژوهش‌ها داده‌ها مبتنی بر خودگزارش‌دهی بوده‌اند که این امر می‌تواند سوگیری پاسخ، مطلوبیت اجتماعی و خطای ادراکی را افزایش دهد. سوم، ناهمگنی در ابزارهای سنجش صفات تاریک، ابعاد شخصیت و شاخص‌های رضایت یا گسست زناشویی، مقایسه مستقیم مطالعات را دشوار می‌سازد. چهارم، برخی مطالعات به جای تحلیل‌های دوسویه، صرفاً بر داده‌های فردی تکیه کرده‌اند؛ در حالی که روابط زناشویی ذاتاً پدیده‌ای تعاملی و دوسویه است. افزون بر این، تفاوت‌های فرهنگی در تعریف صمیمیت، رضایت زناشویی و هنجارهای رابطه‌ای نیز می‌تواند بر نتایج اثرگذار باشد.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

پژوهش‌های آینده بهتر است از طرح‌های طولی و مدل‌های دوسویه استفاده کنند تا بتوانند مسیرهای علی و متقابل میان شخصیت و کیفیت زناشویی را روشن‌تر سازند. همچنین تفکیک ابعاد مختلف خودشیفتگی، بررسی نقش تعدیل‌گر جنسیت، فرهنگ، سبک دلبستگی و مهارت‌های تنظیم هیجان می‌تواند به فهم دقیق‌تر این روابط کمک کند. انجام متاآنالیزهای آینده نیز در صورتی که تعداد کافی از مطالعات همگن فراهم شود، می‌تواند برآورد دقیق‌تری از اندازه اثر ابعاد شخصیتی بر رضایت زناشویی و گسست هیجانی ارائه دهد.

جمع‌بندی بحث

در مجموع، یافته‌های این مرور نظام‌مند نشان می‌دهند که شخصیت یکی از محورهای کلیدی در فهم کیفیت زندگی زناشویی است. صفات تاریک شخصیت، به‌ویژه ماکیاولی‌گرایی و سایکوپاتی، عمده‌تاً با افت رضایت زناشویی و افزایش گسست هیجانی همراه‌اند (Brewer & Abell, 2017; Zhao et al., 2020)، در حالی که در چارچوب الگوی پنج‌عاملی، روان‌رنجورخویی نقش عامل خطر و توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی نقش عوامل محافظتی را ایفا می‌کنند (Malouff et al., 2000; Watson et al., 2010). بنابراین، ادغام رویکردهای شخصیت‌محور در ارزیابی، پیشگیری و مداخله در حوزه روابط زناشویی می‌تواند به فهم عمیق‌تر مشکلات زوجین و طراحی مداخلات اثربخش‌تر منجر شود.

نتیجه‌گیری

این مرور نظام‌مند با هدف یکپارچه‌سازی شواهد تجربی درباره نقش صفات تاریک شخصیت و ابعاد الگوی پنج‌عاملی شخصیت در رضایت زناشویی و گسست هیجانی انجام شد. سنتز مطالعات نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی، به‌عنوان سازه‌هایی نسبتاً پایدار، نقشی محوری در تبیین تفاوت‌های فردی در کیفیت روابط زناشویی ایفا می‌کنند و می‌توانند در قالب عوامل آسیب‌پذیری یا محافظتی در پویایی‌های هیجانی رابطه عمل کنند.

به‌طور کلی، صفات تاریک شخصیت—به‌ویژه ماکیاولی‌گرایی و سایکوپاتی—به‌صورت همسو با شاخص‌های پایین‌تر رضایت زناشویی و سطوح بالاتر فاصله‌گیری هیجانی مرتبط بودند (Brewer & Abell, 2017; Zhao et al., 2020). این الگو با ماهیت بین‌فردی این صفات، شامل گرایش به دستکاری، فقدان همدلی، بی‌ثباتی هیجانی و جهت‌گیری ابزاری در روابط، همخوان است (Paulhus & Williams, 2002). در مقابل، در چارچوب الگوی پنج‌عاملی، روان‌رنجورخویی به‌عنوان پایدارترین پیش‌بین منفی کیفیت زناشویی ظاهر شد، در حالی که توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی عمده‌تاً با پیامدهای رابطه‌ای مطلوب‌تر همراه بودند (Malouff et al., 2010; Watson et al., 2000). این یافته‌ها نشان می‌دهد که ظرفیت تنظیم هیجان، همدلی، همکاری و ثبات رفتاری می‌تواند در حفظ انسجام هیجانی رابطه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

از منظر مفهومی، نتایج این مرور نشان می‌دهد که کیفیت زناشویی نه‌تنها محصول مهارت‌های ارتباطی یا عوامل موقعیتی، بلکه بازتاب الگوهای شخصیتی نسبتاً پایدار است که بر شیوه ادراک، پردازش هیجانی و پاسخ‌دهی بین‌فردی اثر می‌گذارند. بنابراین، مدل‌های تبیینی روابط زناشویی بدون ادغام متغیرهای شخصیتی ممکن است تصویری ناقص ارائه دهند.

با وجود این، تفسیر یافته‌ها باید با احتیاط انجام شود؛ زیرا غالب مطالعات از طرح‌های مقطعی و داده‌های خودگزارشی استفاده کرده‌اند و ناهمگنی ابزارهای سنجش نیز مقایسه مستقیم نتایج را محدود می‌کند. پژوهش‌های آینده با بهره‌گیری از طرح‌های طولی، تحلیل‌های دوسویه و مدل‌های چندسطحی می‌توانند به روشن‌تر شدن مسیرهای علی و تعاملی میان شخصیت و کیفیت زناشویی کمک کنند.

در مجموع، شواهد موجود نشان می‌دهد که صفات شخصیتی، به‌ویژه ابعاد تاریک و مؤلفه‌های هیجان‌محور شخصیت، از عوامل کلیدی در آسیب‌پذیری یا پایداری روابط زناشویی هستند. توجه نظام‌مند به این ویژگی‌ها می‌تواند به غنای مدل‌های نظری روابط زوجین و طراحی مداخلات بالینی دقیق‌تر و فردمحورتر منجر شود.

couple will divorce over a 14-year period. *Journal of Marriage and Family*, 62 (3), 737–745. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2000.00737.x>

Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method, and research. *Psychological Bulletin*, 118 (1), 3–34. <https://doi.org/10.1037/0033-2909.118.1.3>

Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., & Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The Five-Factor Model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, 44 (1), 124–127.

<https://doi.org/10.1016/j.jrp.2009.09.004>

Miller, J. D., Lynam, D. R., Hyatt, C. S., & Campbell, W. K. (2017). Controversies in narcissism. *Annual Review of Clinical Psychology*, 13, 291–315. <https://doi.org/10.1146/annurev-clinpsy-032816-045244>

Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., et al. (2021). The PRISMA 2020 statement: An updated guideline for reporting systematic reviews. *BMJ*, 372, n71. <https://doi.org/10.1136/bmj.n71>

Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The Dark Triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36 (6), 556–563. [https://doi.org/10.1016/S0092-6566\(02\)00037-X](https://doi.org/10.1016/S0092-6566(02)00037-X)

Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships. *Journal of Personality*, 68 (3), 413–449. <https://doi.org/10.1111/1467-6494.00102>

Zhao, H., Smillie, L. D., & Li, H. (2020). Dark traits and relationship satisfaction: The mediating role of dyadic adjustment. *Personality and Individual Differences*, 156, 109753. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109753>

موازين اخلاقي

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

واژه نامه

1. systematic review مرور نظام‌مند
2. narrative synthesis سنتز روایتی
3. Population, Exposure, Outcome PEO
4. dyadic دوسویه
5. grandiose/vulnerable آشکار و پنهان

فهرست منابع

- Apostolou, M., Christoforou, C., & Shialos, M. (2019). Coping with infidelity: The role of the Dark Triad and relationship satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 149, 164–168. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.05.051>
- Brewer, G., & Abell, L. (2017). Machiavellianism, relationship satisfaction, and romantic relationship quality. *Europe's Journal of Psychology*, 13 (3), 491–502. <https://doi.org/10.5964/ejop.v13i3.1217>
- Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2002). Narcissism and commitment in romantic relationships: An investment model analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28 (4), 484–495. <https://doi.org/10.1177/0146167202287006>
- Furnham, A., Richards, S. C., & Paulhus, D. L. (2013). The Dark Triad of personality: A 10-year review. *Social and Personality Psychology Compass*, 7 (3), 199–216. <https://doi.org/10.1111/spc3.12018>
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (2000). The timing of divorce: Predicting when a